

تأثیر آزادی اقتصادی بر فعالیت‌های کارآفرینانه: رویکرد دیده بان جهانی کارآفرینی

شهین بهور* ، نادر نادری** و شهرام فتاحی***

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۲۸

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر سطح فعالیت‌های کارآفرینانه در ۳۰ کشور منتخب، طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴، می‌باشد. بیکاری و مطالبات اشتغال‌های دولتی بحران‌های عمیق اقتصادی-اجتماعی در اقتصاد را به وجود آورده است. با این وجود، بسیاری از کشورها، در بستری از رقابت‌ها، تحولات جهانی، چرخه‌های رکود و رونق، وقایع سیاسی و امنیتی، تهدیدها و تحریم‌ها، دسترسی به منابع طبیعی محدود، موقعیت جغرافیایی سخت و بسیاری از شرایط دیگر؛ رشد و توسعه اقتصادی را تجربه کرده‌اند. به طوری که رشد شغلی خالص در ایالات متحده، اتحادیه اروپا، و برخی از اقتصادهای آسیایی به طور گسترده توسط شرکت‌های کوچک و کارآفرینی هدایت می‌شوند. آزادی اقتصادی و جهانی شدن یکی از عواملی است که در افزایش فعالیت‌های کارآفرینانه و خوداشتغالی می‌تواند نقش موثری داشته باشد. با جهانی شدن و آزادی اقتصادی، حرکت به سمت کارایی و بهینه ساختن استفاده از منابع آغاز شده و اشتغال در فعالیت‌های ناکارآمد نظیر فعالیت‌هایی که صرفاً با حمایت دولت قابل دوام است از میان خواهد رفت و بنگاه‌ها آمادگی بیش‌تری برای خوداشتغالی و فعالیت در بخش خصوصی و بازارهای جهانی بدست می‌آورند.

آزادی اقتصادی در این مطالعه بر اساس شاخص آزادی اقتصادی موسسه فریزر و با استفاده از پنج شاخص ۱. اندازه دولت (مخارج مصرفی دولت، پرداخت‌های انتقالی، مالکیت دولتی و سرمایه‌گذاری دولت، بالاترین نرخ مالیات)، ۲. ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت (استقلال قضایی، حمایت از حقوق مالکیت، اجرای قانونی قراردادهای، یکپارچگی سیستم قانون‌گذاری)، ۳. دسترسی به پول سالم (رشد نقدینگی، تغییر نرخ تورم، انحراف معیار تورم)، ۴. آزادی تجارت بین‌المللی (موانع قانونی تجارت، هزینه‌های صادرات و واردات، کنترل‌های بازار سرمایه) و ۵. تنظیم قوانین و مقررات (قوانین مالی، بازار کار و تجارت) خارجی مورد مطالعه قرار گرفت و فعالیت‌های کارآفرینانه نیز بر اساس تعریف

* دانشجوی دکتری مدیریت کارآفرینی، دانشکده‌ی اقتصاد و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
** استادیار مدیریت و کارآفرینی، دانشکده‌ی اقتصاد و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده‌ی مسئول) (naderi_ksh@yahoo.com)
*** دانشیار اقتصاد، دانشکده‌ی اقتصاد و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

دیده‌بان جهانی کارآفرینی از فعالیت کارآفرینی با پنج سطح، کارآفرینی نوظهور، جدید، نوپا، تثبیت‌شده و نرخ خروج از کسب‌وکار نتخاب گردید.

روش پژوهش در این مطالعه بر اساس مدل‌های مبتنی بر اطلاعات داده‌های پانل (ترکیبی) و با استفاده از روش تخمین حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) در محیط نرم‌افزار Eviews9 و Stata14 صورت گرفت. این انتخاب به این دلیل می‌باشد که در مدل‌های داده‌های پانل، ارزش متغیرها هم در مقاطع و هم در طول زمان اندازه‌گیری می‌شود و استفاده از داده‌های مقطعی برای چندین سال متوالی نتایج بهتر و قابل اعتمادتری را در بر دارد و قدرت توضیح‌دهندگی مدل را افزایش می‌دهد.

جهت تعیین مدل اقتصادسنجی بر اساس مطالعات نظری و تجربی ورهبول و همکاران (۲۰۰۲) در «نظریه‌التقاطی بر کارآفرینی-سیاست‌ها، موسسات و فرهنگ» متغیرهای موثر بر فعالیت‌های کارآفرینانه برای برآورد و استنتاج در ۵ مدل مشخص گردید.

نتایج بدست آمده از این پژوهش، نشان می‌دهد، آزادی اقتصادی رابطه معناداری با سطح فعالیت‌های کارآفرینانه دارد. از بین شاخص‌های مورد بررسی، شاخص اندازه دولت، شاخص ساختار قانونی و دسترسی به پول سالم رابطه مثبت و معنادار، اما شاخص امنیت حقوق مالکیت رابطه منفی و معناداری با سطح فعالیت‌های کارآفرینانه دارد. دولت بزرگ و ساختار قانونی منسجم، در ابتدای راه یک فعالیت کارآفرینی، موجب تقویت و تشویق آن فعالیت می‌شوند و به‌طور کلی؛ از زمان تأسیس یک فعالیت کارآفرینی دولت نقش یک حمایت‌گر را ایفا می‌کند اما هر چقدر از عمر این فعالیت می‌گذرد، نقش دولت کم‌رنگ‌تر و ناچیزتر، و تا جایی که بزرگی اندازه و دخالت‌های بیشتر، مانعی برای این فعالیت‌ها و خروج آن‌ها از کسب و کار و بازار می‌شود.

طبقه بندی JEL: F43, L26, M13

واژه‌های کلیدی: آزادی اقتصادی، فعالیت‌های کارآفرینانه، کارآفرینی

۱- مقدمه

در عصر حاضر، تحولات داخلی و جهانی در برخی از اقتصادها با توجه به شرایط اقتصاد سیاسی ویژه، عمیقتر و گستردهتر شده است. بیکاری و مطالبات اشتغالهای دولتی بحرانهای عمیق اقتصادی- اجتماعی در اقتصاد را به وجود آورده است. با این وجود، بسیاری از کشورها، در بستری از رقابتها، تحولات جهانی، چرخه‌های رکود و رونق، وقایع سیاسی و امنیتی، تهدیدها و تحریمها، دسترسی به منابع طبیعی محدود، موقعیت جغرافیایی سخت و بسیاری از شرایط دیگر؛ رشد و توسعه اقتصادی را تجربه کرده‌اند (Mohammadzadeh, HekmatiFarid & Miraliashrafi, 2016). به طوری که رشد شغلی خالص در ایالات متحده، اتحادیه اروپا، و برخی از اقتصادهای آسیایی به طور گسترده توسط شرکت‌های کوچک و کارآفرینی با آرمان‌های رشد بالا هدایت می‌شوند (Haltiwanger, Jarmin & Miranda, 2013; McMillan & Woodruff, 2002; Guzman & Stern, 2016).

کارآفرینی و خوداشتغالی یکی از محورهای توسعه درون‌زا، تولید اشتغال گسترده و پایدار و ایجاد کننده اقتصادی مقاوم و پویاست. براساس نظریه‌های نوین اقتصادی، از عوامل موثر در توسعه اقتصادی بکارگیری خلاقیت، خلق نوآوری و پرورش ایده‌ها، و کارآفرینی بارزترین ابزار برای رساندن جامعه به این مقصود است (Szirmai, Naudé & Goedhuys, 2011). همچنین کارآفرینی از عوامل بسیار مهم برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی می‌باشد (Urbano & Aparicio, 2016).

بر اساس بیانیه جهانی کارآفرینی، یک همبستگی قوی میان رشد اقتصاد ملی و سطح فعالیتهای کارآفرینانه ملی و سازمانی وجود دارد. کارآفرینی مقوله‌ی بسیار مهمی می‌باشد که بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه توجه جدی به آن مبذول داشته و می‌دارند (KazemiTorqban & Mubarak, 2012).

اما یکی از عواملی که در افزایش فعالیتهای کارآفرینانه و خوداشتغالی می‌تواند نقش موثرتری داشته باشد، آزادی اقتصادی و جهانی شدن اقتصاد است. با جهانی شدن و آزادی اقتصاد، حرکت به سمت کارایی و بهینه ساختن استفاده از منابع آغاز شده و اشتغال در فعالیتهای ناکارآمد نظیر فعالیتهایی که صرفاً با حمایت دولت قابل دوام است از میان خواهد رفت (Arbabian, Rafat & AshrafiyanPour, 2014) و با توجه به فضای آزادتر حاکم بر بازارهای بین‌المللی، هر اندازه در بازارهای داخلی، دخالت و محدودیتهای کمتری حاکم شود، بنگاه‌ها آمادگی بیشتری برای خوداشتغالی و فعالیت در بخش خصوصی و بازارهای جهانی بدست می‌آورند.

در این پژوهش سعی شده است به این سوال پاسخ داده شود که به چه میزان شاخص آزادی اقتصادی بر سطوح مختلف عملکرد کارآفرینان، از ابتدای تأسیس یک کسب‌وکار تا زمانی که از آن خارج می‌شوند، تأثیرگذار است. برای این منظور از شاخص

آزادی اقتصادی موسسه فریزر^۱ و سطح فعالیت‌های کارآفرینانه موسسه دیده‌بان جهانی کارآفرینی^۲ استفاده گردید.

۲- ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- ادبیات نظری

آزادی اقتصادی در بالاترین شکل خود به معنای حق مالکیت کامل دارایی‌ها و مایملک، آزادی انتقال نیروی کار، سرمایه و کالاها و عدم وجود اجبار یا محدودیت آزادی اقتصادی برای شهروندان را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، اشخاص در یک اقتصاد با آزادی بالا از آزادی لازم برای کار، تولید، مصرف و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مورد علاقه در سایه قوانین و مقررات دولتی برخوردار می‌باشند (Research Center of the Islamic Consultative Assembly, 2011). در جدیدترین تعریف سال ۲۰۱۷ موسسه فریزر، آزادی اقتصادی مفهوم گسترده‌تری پیدا می‌کند و بر این اساس آزادی اقتصادی، انتخاب شخصی، مبادله اختیاری، آزادی ورود و رقابت در بازارها و امنیت حقوق مالکیت شخصی است (Gwartney, Lawson & Hall, 2017). اما یکی از موسساتی که به بررسی میزان آزادی اقتصادی کشورها پرداخته موسسه فریزر است. محاسبه شاخص آزادی اقتصادی در موسسه فریزر از سال ۱۹۸۶ آغاز و پنج حوزه زیر را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ ۱. اندازه دولت (مخارج مصرفی دولت، پرداخت‌های انتقالی، مالکیت دولتی و سرمایه‌گذاری دولت، بالاترین نرخ مالیات)، ۲. ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت (استقلال قضایی، حمایت از حقوق مالکیت، اجرای قانونی قراردادهای، یکپارچگی سیستم قانون‌گذاری)، ۳. دسترسی به پول سالم (رشد نقدینگی، تغییر نرخ تورم، انحراف معیار تورم)، ۴. آزادی تجارت بین‌المللی (موانع قانونی تجارت، هزینه‌های صادرات و واردات، کنترل‌های بازار سرمایه) و ۵. تنظیم قوانین و مقررات (قوانین مالی، بازار کار و تجارت) (fraserinstitute.org, 2017).

اما کارآفرین و کارآفرینی برای اولین بار مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت و تمامی مکاتب اقتصادی از قرن شانزدهم میلادی تا کنون به نحوی کارآفرینی را در نظریه‌های خود تشریح نموده‌اند؛ به‌طور مثال برنارد دو بلید^۳ کارآفرین را «خریدار نیروی کار و مواد اولیه به بهایی نامعین و به فروش رساندن محصولات به بهایی طبق قرارداد» معرفی می‌کند. مرکانتلیست‌ها، کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها نیز بین مفهوم مخاطره‌پذیر و سرمایه‌گذار و مفهوم مدیر و کارآفرینی تفاوت قائل شدند. همچنین کانتیلون کارآفرین را از زمین‌داران و دستمزدبگیران متمایز می‌کند و در نهایت در قرن بیستم شومپیتر

¹ Economic Freedom of The World (EFW)

² Global Entrepreneurship Monitor (GEM)

³ Bernard F. De Belidor

کارآفرین را نوآور و مبتکر می‌نامد (Ahmad Pourdariani, 2000). اما با وجود تعاریف اقتصادی بی‌شماری که از کارآفرینی وجود دارد، در این پژوهش از تعریف دیده‌بان جهانی استفاده شد که به معنای هرگونه تلاش برای ایجاد کسب و کار جدید (حتی خود اشتغالی) یا توسعه کسب و کارهای تثبیت شده به وسیله افراد یا گروهی از افراد می‌باشد (Global Entrepreneurship Monitor, 2014).

موسسه جهانی کارآفرینی از موسساتی است که از ابتدای تأسیس، رابطه دو طرفه‌ای را بین کارآفرینی و توسعه اقتصادی دنبال و بررسی کرده (Wennekers & Acs, 2006; Thurik, 1999) و چارچوب مشخصی طراحی کرد که کارآفرینی و رشد اقتصادی و نحوه تعامل آن‌ها را در کنار هم مورد بررسی قرار دهد (Bosma, Wennekers, Guerrero, Amorós, Martiarena & Singer, 2013; Bosma, Jones, Autio, & Levie, 2011) و مأموریت اصلی خود را، ارزیابی و ارائه داده‌های پژوهشی معتبر در سطح بین‌المللی درخصوص ادراکات، گرایش‌ها و فعالیتهای کارآفرینانه و با هدف مطالعات، سنجش و ارزیابی شاخص‌های انواع فعالیتهای کارآفرینانه در کشورهای عضو قرار داده است. در این پژوهش نیز فعالیتهای کارآفرینانه بر اساس شاخص دیده‌بان جهانی کارآفرینی مورد بررسی قرار گرفته که فرد کارآفرین در، ۱- کارآفرین نوظهور^۴؛ شخصی است که در حال حاضر به طور فعال درگیر مدیریت کسب و کار جدید بوده و برای هیچ کارمندی حقوقی بیش از ۳ ماه پرداخت نکرده است (Reynolds, & Curtin, 2008). ۲- کارآفرین جدید^۵؛ نیز فردی است که به کارکنان خود، بیش از سه ماه و کمتر از ۴۲ ماه، حقوق پرداخت کرده و شخصاً مالک تمام یا قسمتی از کسب و کار است. ۳- کارآفرین نوپا^۶؛ فردی است که ویژگی‌های دو شاخص کسب و کارهای نوظهور و جدید را دارا باشد ۴- کارآفرین تثبیت شده^۷؛ فرد بزرگسالی است که هم‌اکنون کسب و کاری را که شخصاً مالک تمام یا بخشی از آن بوده و این کسب کار بیش از ۴۲ ماه عمر دارد، مدیریت می‌کند و در نهایت ۵- نرخ خروج از کسب و کار^۸؛ به معنی درصد جمعیت بزرگسال ۱۸-۶۴ ساله است که طی ۱۲ ماه گذشته از کسب و کار خود به دلیل فروش، تعطیلی، خارج شده و یا رابطه‌ی مدیریت و مالکیت با آن کسب و کار ندارند. البته این شاخص بیانگر نرخ شکست کسب و کار نیست.

یکی از وظایف دولت‌ها در همه کشورها و از قدیمی‌ترین ایام، تأمین بودجه بوده است و به هر میزان نقش دولت گسترده‌تر می‌بود تأمین مالی از طریق مالیات بیش‌تر صورت می‌گرفت اما وجود مالیات بیش‌تر، بر اساس نظر ورهیل و همکاران (۲۰۰۲) بر

⁴ Nascent entrepreneur

⁵ New entrepreneur

⁶ Early – Stage Entrepreneurial (Activity)

⁷ Established Entrepreneur

⁸ Business discontinue rate

کارآفرینی اثر متناقضی داشته که؛ مالیات بالا می‌تواند تلاش‌های افراد را در جهت خوداشتغالی و ایجاد فعالیت‌های کارآفرینی کاهش دهد (Bruce & Gurley, 2004;). از سوی دیگر، آلبالیسو و همکاران (۲۰۱۶) نیز معتقدند فرار مالیاتی با کاهش سرمایه بخش دولتی بر کارآفرینی تأثیر منفی دارد (Albulescu, Tămășilă, & Tăucean, 2016). کنترل‌های غیرمستقیم دولتی همانند الزام به داشتن مجوز جهت انجام برخی از معاملات خاص نیز می‌توانند به این دلیل که اعطای مجوز به بروز موانع ورود می‌انجامد، باعث کاهش فعالیت‌های کارآفرینی گردد (Demsetz, 1982). همچنین هر قدر که دولت به میزان بیش‌تری به سطوح بالای ارائه خدمات مختلف با بودجه عمومی وارد شود، انگیزه‌های ورود به فعالیت‌های کارآفرینی جهت امرار معاش (آنچه می‌توان کارآفرینی ضروریات نامید) نیز به اندازه بیش‌تری کاهش پیدا می‌کند، با این وجود این قبیل طرح‌ها، انگیزه انباشت ثروت فردی را نیز پایین خواهند آورد که انتظار می‌رود سطح فعالیت‌های کارآفرینی را به گونه‌ای منفی تحت تأثیر قرار دهند (Fuentelsaz, González, Maícas & Montero, 2015; Henrekson, 2005). از سوی دیگر؛ دولت‌ها همواره به‌عنوان حمایت‌گر و تأمین‌کننده منابع در جهت تولید و اشتغال در جهان شناخته شده‌اند و همچنین در مرتفع ساختن مسیر تأسیس یک فعالیت اقتصادی نقش اساسی داشته‌اند و با این دیدگاه می‌توان بیان داشت که دولت در ایجاد فعالیت کارآفرینانه نقش تسهیل‌گر دارد.

حفاظت از حقوق مالکیت خصوصی به طور گسترده، هم در مطالعات تاریخی و هم در مطالعات اقتصاد سنجی اخیر به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصادی شناخته شده است؛ کارآفرینانی که دارای حداقل حقوق مالکیت بوده‌اند، کمتر از کارآفرینانی که حداکثر امنیت حقوق مالکیت را احساس می‌کرده‌اند، سود خود را به سرمایه‌گذاری مجدد اختصاص داده‌اند در واقع این شاخص برای کارآفرینان به عنوان یک شرط لازم برای بهره‌گیری کامل از فرصت‌های سرمایه‌گذاری بوده است (Kuckertz, Berger & Mpeqa, 2016).

چنانچه بر اساس نظر هنرکسون^۹ (۲۰۰۷) حقوق مالکیت خصوصی امن و منحصربه‌فرد، بر اساس قرارداد در مبادله، کارآفرینی مولد را نیز تسهیل می‌کند و بدون آن، کارآفرینان نمی‌توانند سرمایه مورد نیاز برای کارآفرینی را تأمین کنند. وجود یک نظام مالی مؤثر و کارآمد، نقش مهم و اساسی در سرمایه‌گذاری برای ایجاد خوداشتغالی و کارآفرینی دارد و اگر تضمینی برای حقوق مالکیت وجود نداشته باشد این نظام مالی کارآمد نیز در دسترس نخواهد بود. بنابراین برای کارآفرینان دشوار خواهد بود که از فرصت‌های جدید استفاده نمایند (Johnson, McMillan & Woodruff, 2005). علاوه بر

^۹ Henrekson

این، حقوق مالکیت امن، تخصص و تقسیم کار را تحریک می‌کند که فرصت‌های کارآفرینی بیش‌تری را در اختیار کارآفرین می‌گذارد.

پیچیدگی‌های قانونی به میزان کاغذبازی و معاهدات اداری مواجه شده توسط کارآفرین، اشاره دارد. بوروکراسی‌های اداری ممکن است کارآفرینان بالقوه را از بین ببرد (Bowen & De Clercq, 2008)، یا کارآفرینان فعال را از فعالیتهای کارآفرینی مولد خود منحرف کند (Verheul, Wennekers, Audretsch, & Thurik, 2002). مقررات مربوط به کارآفرینی بسیار گسترده و شامل جنبه‌هایی مانند مقررات تجارت، کار و اعتبار است (Nyström, 2008; Angulo-Guerrero, Pérez-Moreno, & Abad-Guerrero, 2017).

براساس آنچه که در تئوری بامول^{۱۰} (1993) بیان شده، مقررات بیش از حد می‌تواند باعث کاهش میزان مشارکت مثبت کارآفرینان در رونق اقتصادی و بر اساس نظر نادری و شربت‌اوغلی (۲۰۰۷) باعث کاهش رشد اقتصادی نیز می‌شود (Naderi & SHarbatoghli, 2007). مراحل اداری دست‌وپا گیر (رویه‌های اداری سنگین)، مانعی برای گسترش شرکت، استخدام کارکنان اضافی و یا حتی سرمایه‌گذاری در سهام باشد (Verheul, Wennekers, Audretsch, & Thurik, 2002; Samati, Shahnazi & Dehghani, 2006). از سوی دیگر، فقدان قوانین و مقررات کارآمد، باعث ناکارآمدی عملکرد کارآفرینان، نیروهای موجود در بازار و بخش خصوصی می‌گردد (Dutz, Ordovery & Willig, 2000). وجود پول مناسب به ویژه نرخ تورم و نوسان قیمت از عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی است (Friedman, 1962). تورم بالا و غیرمنتظره بر بهره‌وری اقتصادی از طریق افزایش هزینه قراردادهای و کاهش توانایی بازار برای پیش‌بینی قیمت‌های آینده، تأثیرگذار است. از طرفی عدم ثبات قیمت در بازار، نه تنها کارآفرینان را بی‌انگیزه می‌کند بلکه نرخ بیکاری را افزایش داده و منجر به بی‌ثباتی در محیط نیز می‌شود (Friedman, 2011) و با وجود این مشکل، مانعی جدی برای سرمایه‌گذاری افراد و شرکت‌ها در فعالیتهای سودمند ایجاد می‌کند. بنابراین؛ به جای صرف سرمایه در فعالیتهای سودمند، به فعالیتهای غیرسودمند اختصاص می‌یابد.

بر اساس نظر کریبی^{۱۱} (۱۹۹۷)، بازارهای آزاد و تجارت بین‌المللی، یکی از راه‌هایی است که کمک می‌کند شرکت‌های کوچک و کارآفرین خود را با تغییرات در تقاضای بازار انطباق دهند (Kuckertz, et al, 2016). علاوه بر این، سوپل و همکاران (۲۰۰۷) استدلال می‌کنند، محدودیتهای تجاری باعث کاهش واردات کالاها و تکنیک‌های تولیدی در دسترس می‌شود که ترکیبات جدید در عوامل تولید و فعالیتهای کارآفرینی را کاهش می‌دهد (Sobel, et al, 2007). بنابراین این‌چنین می‌توان استدلال کرد که وجود آزادی

¹⁰ Baumol

¹¹ Carree

اقتصادی بر فعالیت‌های کارآفرینی تأثیر بسزایی داشته و برای رشد و توسعه این نوع کسب‌وکارها دارای اهمیت بسیار است.

۲-۲- پیشینه پژوهش

در بسیاری از پژوهش‌ها به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر کارآفرینی پرداخته شده است، یافته‌های کریستین و نیکولای (۲۰۰۶) در بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر سطح فعالیت‌های کارآفرینی در ۲۹ کشور عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی، حاکی از آن است که سطح کارآفرینی با اندازه دولت رابطه منفی و با پول پر قدرت رابطه مثبت دارد (Christian & Nicolai, 2006). دیاز-کاسرو و همکاران (۲۰۱۲) در تجزیه و تحلیل داده‌های ۲۹ کشور در دوره زمانی (۲۰۰۴-۲۰۰۹) در بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر کارآفرینی بر مبنای فرصت و ضرورت به این نتیجه رسیدند که با افزایش آزادی اقتصادی، اندازه دولت و آزادی مالی کوچک‌تر، در نتیجه کارآفرینی بر مبنای فرصت^{۱۲} و ضرورت^{۱۳} کاهش می‌یابد (Díaz-Casero, et al, 2012).

هال و لاوسون (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای نشان دادند، آزادسازی تجاری و ایجاد مشاغل در نظام مالکیت خصوصی و حاکمیت قانون برای کارآفرینی مولد ضروری است اما سیاست‌های اقتصادی به آزادی اقتصادی و کارآفرینی آسیب می‌رسانند (Hall & Lawson, 2015). فوینتل‌ساز و همکاران (۲۰۱۵) در بررسی نقش نهادهای رسمی بر فرصت و ضرورت کارآفرینی با داده‌های پانل برای ۶۳ کشور بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰، به این نتیجه رسیدند که؛ حقوق مالکیت باعث تقویت کارآفرینی بر مبنای فرصت می‌شود، اما کارآفرینی بر مبنای ضرورت را کاهش می‌دهد (Fuentelsaz, et al, 2015). در مطالعه‌ای از سانریس و ساجنی (۲۰۱۷) به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر کارآفرینی رسمی و غیررسمی پرداختند و نشان دادند آزادی اقتصادی موجب ترویج کارآفرینی رسمی و مانعی برای کارآفرینی غیررسمی می‌باشد (Saunoris & Sajny, 2017) و در نهایت؛ آنگولا و همکاران (۲۰۱۷) در تحلیل آزادی اقتصادی برای کشورهای OECD طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲ نشان دادند شاخص کلی آزادی اقتصادی به‌طور مثبت با کارآفرینی فرصت مرتبط است، در حالی که رابطه‌اش با کارآفرینی ضرورت منفی است (Angulo-Guerrero, et al, 2017).

در پژوهش‌های داخلی نیز، عیسی‌زاده و مهران‌فر (۲۰۱۲) از پنج شاخص آزادی اقتصادی به عنوان عوامل نهادی و از نرخ خوداشتغالی به عنوان شاخص کارآفرینی

¹² Opportunity Entrepreneurs are people who seek to discover opportunities and exploit them; what they do is considered a kind of productive entrepreneurship.

¹³ Necessity entrepreneurs, whose effort is regarded as a form of unproductive entrepreneurship, need to be forced to work because they do not have access to other business options.

استفاده نموده و نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیونی به روش داده‌های تابلویی در دوره ۲۰۰۹-۱۹۹۰ نشان دادند که اندازه کوچک دولت، ساختار بهتر قانون و حمایت از حقوق مالکیت افراد، باعث افزایش خوداشتغالی می‌شوند. همچنین آزادی تجاری و بوروکراسی پایین در بازار اعتباری، بازار کار و فضای کسب‌وکار اثری منفی بر نرخ خوداشتغالی دارند (Esaizadeh & Mehranfar, 2012). محمدزاده و همکاران (۲۰۱۶)، به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر توسعه اقتصادی در ۵۰ کشور منتخب در طی دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ با استفاده از داده‌های تابلویی پرداخته و نتیجه گرفتند آزادی اقتصادی بستر مناسبی برای ارتقای فعالیتهای کارآفرینانه ایجاد می‌کند (Mohammadzadeh, et al, 2016).

۳- روش‌شناسی پژوهش

از جمله ویژگی‌های مطالعه علمی که هدف آن حقیقت‌یابی است، استفاده از یک روش تحقیق مناسب می‌باشد و انتخاب روش تحقیق مناسب به هدف‌ها، ماهیت و موضوع مورد تحقیق و امکانات اجرایی بستگی دارد. تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی با استفاده از همبستگی و مدل‌سازی ریاضی می‌باشد. در تحقیقات توصیفی می‌توان به بررسی روابط علی و معلولی نیز پرداخت (Hafez Nia, 2001). روش تحقیق در این مطالعه بر اساس مدل‌های مبتنی بر اطلاعات داده‌های پانل (ترکیبی) و با استفاده از روش تخمین حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) در محیط نرم‌افزار Eviews و Stata₁₄ صورت گرفته است. این انتخاب به این دلیل می‌باشد که در مدل‌های داده‌های پانل، ارزش متغیرها هم در مقاطع و هم در طول زمان اندازه‌گیری می‌شود و استفاده از داده‌های مقطعی برای چندین سال متوالی نتایج بهتر و قابل اعتمادتری را در بر دارد و قدرت توضیح‌دهندگی مدل را افزایش می‌دهد. در این تحقیق، تجزیه و تحلیل مقطعی بر مبنای داده‌های ۱۰ساله (از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۱۴)، برای گروه کشورهای دارای فعالیت کارآفرینانه با بیش‌ترین میزان دسترسی به داده‌ها (ایران، آفریقای جنوبی، چین، مالزی، جامائیکا، آرژانتین، برزیل، شیلی، مکزیک، مجارستان، روسیه، لیتوانی، پرو، ژاپن، یونان، هلند، بلژیک، فرانسه، اسپانیا، ایتالیا، انگلیس، دانمارک، سوئد، آلمان، ایرلند، فنلاند، اسلوانی، سوئیس، نروژ، آمریکا) در نظر گرفته شده است. لحاظ نکردن برخی از متغیرها در ساختار مدل‌ها موجب ایجاد عدم کارایی در برآورد مدل‌های اقتصادسنجی می‌شود، روش داده‌های تابلویی اثر این نوع متغیرهای لحاظ نشده یا غیر قابل اندازه‌گیری را بهتر نشان می‌دهد. داده‌های تابلویی روندهای گذشته متغیرها را در برمی‌گیرد و از نظر لحاظ کردن پویایی متغیرها، اطمینان ایجاد می‌کند (Zaranjad & Anwari, 2005).

الگوی مورد نظر در این مقاله به صورت یک معادله پانل (ترکیبی) است. در اقتصادسنجی داده‌های پانل، در حالت کلی فرض بر آن است که داده‌های مورد استفاده، استقلال مقطعی^{۱۴} دارند. بنابراین در این پژوهش از لحاظ تئوریک و همچنین بدلیل انتخاب کشورهای ناهمگن با سیاست‌ها و قوانین و مقررات کارآفرینی مختلف و میزان آزادی اقتصادی متفاوت، این امر تایید گردید که داده‌ها دارای استقلال مقطعی هستند، بنابراین از گرفتن این آزمون صرف‌نظر شد.

مرحله دوم در تجزیه و تحلیل رگرسیونی فرض مانایی است که یکی از فرض‌های مهم و تأثیرگذار می‌باشد. که خواص آماری داده‌های تابلویی را به لحاظ مانایی بررسی و در صورت ناماننا بودن متغیرها برای اطمینان از وجود رابطه بلندمدت، به انجام آزمون‌های مربوطه می‌پردازیم. آزمون‌های متعددی همچون آزمون، لوین لین و چاوه، (LLC) دیکی - فولر (DF)، و فیلیپس - پرون (P-P) جهت بررسی مانایی وجود دارد. که در این پژوهش از کلیه آزمون‌ها استفاده گردید. نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد که کلیه متغیرهای مورد نظر تحقیق در سطح قابل قبولی مانا می‌باشند و بدین ترتیب مشکلی از این بابت وجود ندارد.

در روش داده‌های پانل لازم است که در ابتدا همگن یا ناهمگن بودن مقاطع مورد آزمون قرار گیرد. در صورتی که مقاطع همگن باشد به سادگی می‌توان از روش حداقل مربعات معمولی تجمیع شده استفاده کرد در غیر این صورت استفاده از روش اثرات ثابت ضرورت دارد. چاو (۱۹۶۰) به منظور انتخاب بین روش حداقل مربعات معمولی (داده‌های تلفیقی) و مدل اثرات ثابت آزمونی با فروض زیر معرفی کرده است:

$$\begin{cases} H_0 = \mu_1 = \mu_2 = \dots \dots \dots \mu_{N-1} = 0 \\ H_1 = \text{NOT } H_0 \end{cases} \quad (1)$$

قبول فرض صفر به معنای وجود داده‌های تلفیقی و استفاده از تخمین OLS برای حل مدل است و رد فرض صفر به معنی وجود مدل اثرات ثابت و استفاده از روش داده‌های پانل می‌باشد. به عبارت دیگر؛ برای تشخیص خصوصیات آماری داده‌ها باید با استفاده از آزمون F- لیمر به بررسی ماهیت داده‌های طولی بپردازیم که در جدول شماره (۳) ارائه شده است. آماره F- لیمر از مقدار بحرانی خود بیشتر بوده که بر پانل بودن داده‌های این مطالعه تأکید می‌کند. بروش و پاگان در سال ۱۹۸۰، برای آزمون مدلی با داده‌های تلفیقی در مقابل اثرات تصادفی از ضریب لاگرانژ استفاده کرده‌اند. آن‌ها برای انجام این آزمون فروض زیر را به کار برده‌اند:

$$\begin{cases} H_0: \sigma_{2u} = 0 \\ H_1: \sigma_{2u} \neq 0 \end{cases} \quad (2)$$

¹⁴ Cross- Sectional Independence

¹⁵ Levin,lin,cho

H_0 به معنی بهتر بودن استفاده از مدلی با داده‌های تلفیقی و رد H_0 به معنی وجود اثر تصادفی در مدل است.

به منظور این که مشخص گردد که کدام روش (اثرات ثابت یا اثر تصادفی) جهت برآورد مناسب‌تر است از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. فرضیه صفر در آزمون هاسمن بدین صورت می‌باشد:

$$\begin{cases} H_0: \alpha = \alpha_s \\ H_1: \alpha \neq \alpha_s \end{cases} \quad (3)$$

فرضیه صفر به این معنی است که ارتباطی بین جزء اخلاص مربوط به عرض از مبدأ و متغیرهای توضیحی وجود ندارد و آن‌ها از یکدیگر مستقل هستند. در حالی که فرضیه مقابل به این معنی است که بین جزء اخلاص مورد نظر و متغیر توضیحی با مشکل تورش و ناسازگاری مواجه می‌شویم. بنابراین بهتر است در صورت پذیرفته شدن (H_1) (H_0) از روش اثرات ثابت استفاده کنیم. تحت فرضیه H_0 ، اثرات ثابت و اثرات تصادفی هر دو سازگار هستند ولی روش اثرات ثابت ناکارا است.

یکی از فروض رگرسیون خطی به روش حداقل مربعات معمولی، برابر بودن واریانس جملات پسماند می‌باشد. در عمل این فرض چندان صادق نیست و در بسیاری از نمونه‌ها به دلایل مختلفی از قبیل شکل نادرست تابع مدل، وجود مشاهدات پرت، شکست ساختاری در جامعه آماری و ... شاهد پدیده ناهمسانی واریانس‌ها هستیم. در هر دوی این آزمون‌ها، قاعده آماری به شکل زیر می‌باشد:

$$H_0: \text{همسانی واریانس} \quad (4)$$

$$H_1: \text{ناهمسانی واریانس}$$

در صورت ناهمسانی واریانس، باید نسبت به رفع آن اقدام و سپس مدل تخمین زده شود و برای رفع این ناهمسانی از آزمون والد اصلاح‌شده^{۱۶} استفاده گردید. آماره آزمون والد اصلاح‌شده به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$W = \sum_{i=1}^{N_t} \frac{(\theta_2^2 - \theta^2)^2}{V_i} \quad (5)$$

که به صورت $X^2[N_g]$ تحت فرضیه صفر توزیع خواهد شد. برای حل مشکل ناهمسانی واریانس، ابتدا مدل را به گونه‌ای تبدیل می‌کنیم که واریانس ناهمسانی آن برطرف شود و سپس β را تخمین بزنیم. این روش معروف به حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS^{17}) یا حداقل مربعات وزنی (WLS^{18}) است. تخمین β در مدل معروف به تخمین زننده GLS به صورت زیر می‌باشد:

¹⁶ Modified Wald test for group wise heteroskedasticity

¹⁷ Generalized Least Squares

¹⁸ Weighted Least Squares

$$\beta_{GLS} = (X' \Omega^{-1} X)^{-1} (X' \Omega^{-1} y) \quad (۶)$$

برآوردهای حاصل از GLS بدون تورش و کارا خواهند بود، در صورتی که اجزا خطا دارای توزیع نرمال باشند، ضرایب برآورده شده نیز دارای توزیع نرمال خواهند بود (KarimiTecanlo & Ranjpour, 2014).

۵- معرفی مدل اقتصادسنجی

بر اساس مطالعات نظری و تجربی ورهیول و همکاران (۲۰۰۲) در «نظریه التقاطی بر کارآفرینی-سیاست‌ها، موسسات و فرهنگ» (Verheul, et al, 2002)، متغیرهای موثر بر فعالیت‌های کارآفرینانه برای برآورد و استنتاج در ۵ مدل زیر وارد شدند.

$$NAS = \alpha_{1t} + B_1 SG_{it} + B_2 LPR_{it} + B_3 SM_{it} + B_4 FTI_{it} + B_5 R_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل ۱:}$$

$$NEW = \alpha_{2t} + B_1 SG_{it} + B_2 LPR_{it} + B_3 SM_{it} + B_4 FTI_{it} + B_5 R_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل ۲:}$$

$$ES = \alpha_{3t} + B_1 SG_{it} + B_2 LPR_{it} + B_3 SM_{it} + B_4 FTI_{it} + B_5 R_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل ۳:}$$

$$EST = \alpha_{4t} + B_1 SG_{it} + B_2 LPR_{it} + B_3 SM_{it} + B_4 FTI_{it} + B_5 R_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل ۴:}$$

$$DIS = \alpha_{5t} + B_1 SG_{it} + B_2 LPR_{it} + B_3 SM_{it} + B_4 FTI_{it} + B_5 R_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل ۵:}$$

که در آن هر یک از متغیرها به صورت زیر تعریف شده‌اند.

جدول ۱: مفاهیم و خلاصه متغیرهای پژوهش

Table 1: Concepts and Summary of Research Variables

منبع	شرح	نماد	متغیرها
GEM	سهام جمعیت درگیر در مرحله کارآفرینی نوظهور (جمعیت ۱۸ تا ۶۴ سال)	Nas	کارآفرینی نوظهور
GEM	سهام جمعیت درگیر در مرحله کارآفرینی جدید	New	کارآفرینی جدید
GEM	سهام جمعیت درگیر در مرحله کارآفرینی نوپا	Es	کارآفرینی نوپا
GEM	سهام جمعیت درگیر در مرحله کارآفرینی تثبیت شده	Est	کارآفرینی تثبیت شده
GEM	سهام جمعیت درگیر در مرحله خروج از کسب و کار	Dis	خروج از کسب و کار
EFW	ارزش شاخص بین ۰-۱۰۰، که در آن یک مقدار بزرگ‌تر به معنی آزادی اقتصادی بیشتر است.	EF	آزادی اقتصادی
EFW	ارزش شاخص بین ۰-۱۰۰، که در آن یک مقدار بزرگ‌تر به معنی امنیت حقوق مالکیت بیشتر است.	Lpr	امنیت حقوق مالکیت
EFW	ارزش شاخص بین ۰-۱۰۰، که در آن یک مقدار بزرگ‌تر به معنی پیچیدگی نظارتی کمتر است.	R	آزادی از آئین نامه (قوانین و مقررات)
FW	سهام مصرف دولت از تولید ناخالص داخلی.	Sg	اندازه دولت
EFW	ارزش شاخص بین ۰-۱۰۰، که در آن یک مقدار بزرگ‌تر به معنی مالیات (بر درآمد نهایی) کمتر است.	Sm	دسترسی به پول سالم
EFW	ارزش شاخص بین ۰-۱۰۰، که در آن یک مقدار بزرگ‌تر به معنی آزادی بیشتر در تجارت بین المللی و سرمایه گذاری است.	Fti	آزادی تجارت و سرمایه‌گذاری

۶- برآورد مدل و تحلیل نتایج

نتایج مانایی داده‌ها در سطح (با عرض از مبدأ و روند)، در جدول شماره (۲)، ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون مانایی

Table 2: Root test results

PP-Fisher		ADF-Fisher		Im,pesaran and Shin		Levin,lin,cho		متغیر
p-value	آماره	p-value	آماره	p-value	آماره	p-value	آماره	
(/0000)	۱۳۸/۸۵۸	(/0054)	۹۱/۵۵۲۱	(/0213)	-۲/۰۲۷۱۲	(/0000)	-۵/۳۹۹۰۱	Nas
(/0000)	۱۳۱/۳۲۱	(/0103)	۸۸/۲۴۱۱	(/0382)	-۱/۷۷۲۰۸	(/0000)	-۵/۱۸۸۰۵	New
(/0000)	۱۱۸/۲۲۶	(/0075)	۸۹/۸۹۷۰	(/0264)	-۱/۹۳۶۵۵	(/0000)	-۶/۲۳۸۵۹	Es
(/0001)	۱۰۸/۲۶۶	(/0024)	۹۵/۶۱۹۴	(/0089)	-۲/۳۶۹۸۴	(/0000)	-۷/۶۱۵۵۹	Est
(/0000)	۱۳۹/۰۴۸	(/0037)	۹۳/۴۰۵۱	(/0016)	-۲/۹۴۷۹۲	(/0000)	-۱۳/۲۰۴۳	Dis
(/0096)	۱۲۴/۹۶۸۹	(/0101)	۷۳/۸۳۰۹	(/0186)	-۱/۲۳۳۹۸	(/0000)	-۶/۸۲۰۴۳	Sg
(/0009)	۱۷۳/۷۷۷۹	(/0238)	۸۳/۵۹۳۷	(/0375)	-۱/۷۸۰۸۶	(/0000)	-۶/۱۶۳۴۲	Lpr
(/0000)	۱۵۰/۲۵۲۳	(/0072)	۸۹/۰۳۰۸	(/0057)	-۱/۵۱۱۹۸	(/00327)	-۱/۸۴۲۷۶	Sm
(/0000)	۱۷۵/۴۰۹	(/0244)	۸۳/۴۳۷۳	(/0470)	-۱/۴۹۸۷۹	(/0000)	-۳/۹۰۵۳۰	Fti
(/0000)	۱۰۵/۴۱۳	(/0244)	۷۵/۳۴۱۶	(/0370)	-۱/۴۱۰۸۰	(/0000)	-۴/۷۳۳۷۸	R

Source: Research calculations

مأخذ: محاسبات محقق

نتایج جدول (۲) حاکی از آن می‌باشد که متغیرهای کارآفرینی نوظهور، جدید، نوپا، تثبیت‌شده، خروج از کسب و کار، اندازه دولت، ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت، دسترسی به پول سالم و تنظیم قوانین و مقررات، بازارهای اعتباری و کسب‌وکار در سطح مانا شده‌اند. نتایج آزمون‌های تشخیصی F لیمر و بروش پگان LM در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳: آزمون‌های تشخیصی

Table 3: Diagnostic tests

	آزمون Breusch-Pagan LM		آزمون F لیمر	
معنی‌داری	آماره	معنی‌داری	آماره	متغیر
/0000	۷۶۹/۲۶۰	/0000	۱۷/۸۸۳۴۷۷	Nas
/6480	۸۹۰/۷۲۷	/0000	۲۱/۷۶۶۱۱	New
/0995	۷۴۱/۰۳۸	/0000	۲۲/۴۹۴۶۲۰	Es
/0000	۷۳۹/۳۲	/0000	۳۹/۲۶۵۷۵۳	Est
/0000	۹۹۴/۲۶	/0000	۷/۱۰۸۷۵۰	Dis

Source: Research calculations

مأخذ: محاسبات محقق

با توجه به نتایج بدست آمده از تخمین مقدار آماره F آزمون لیمر، بیانگر رد فرضیه صفر و استفاده از روش داده‌های پانلی در مقابل روش حداقل مربعات معمولی تجمیع‌شده (پولینگ)، برای داده‌های این پژوهش است. بدین معنا که فرضیه صفر مبنی بر پولینگ بودن مدل (فرضیه برابر بودن عرض از مبدأ برای تمامی مقاطع) رد شده و فرضیه مقابل پذیرفته می‌شود. بنابراین مدل داده‌ها پانل هستند از طرف دیگر آزمون بروش پگان نیز برای اثر مدل تصادفی و تلفیقی گرفته شد که با توجه به نتایج، دو مدل اول، چهارم و پنجم، جز اثرات تصادفی و دو مدل دوم و سوم نیز تلفیقی و ثابت هستند. که نتایج آزمون هاسمن نیز این امر را تایید می‌کند.

۶-۱- انتخاب مدل تخمینی

در مرحله بعد بایستی مشخص شود کدام روش (اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) برای تخمین داده‌های پانل (panel) مناسب می‌باشد.

جدول ۴: نتایج آزمون هاسمن

Table 4: Hasman test results

متغیر	آماره	درجه آزادی	معنی‌داری	آزمون فرضیه صفر	نتایج
Nas	۱۰/۳۹۹۳۸۵	۵	۰/۰۶۶۲	تایید فرض صفر	تصادفی
New	۱۴/۴۷۰۵۲۳	۵	۰/۰۱۱۹	رد فرض صفر	ثابت
Es	۱۲/۶۴۱۰۹۱	۵	۰/۰۲۷۰	رد فرض صفر	ثابت
Est	۷/۵۱۵۲۷	۵	۰/۱۸۱۵	تایید فرض صفر	تصادفی
Dis	۵/۳۳۴۴۵۸	۵	۰/۳۷۶۴	تایید فرض صفر	تصادفی

مأخذ: محاسبات محقق (سطح معناداری ۹۵ درصد)

Source: Research calculations (95% significance level)

با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون هاسمن بر اساس سطح معناداری، مدل‌های اول، چهارم و پنجم دارای اثرات تصادفی و مدل‌های دوم و سوم دارای اثرات ثابت هستند.

جدول ۵: آزمون ناهمسانی واریانس

Table 5: Heterogeneity of variance test-statistic (significance)

نتیجه آزمون	p-value	آماره	متغیر
ناهمسانی واریانس	(۰/۰۰۰۰)	۲۹/۸۷	Sg
ناهمسانی واریانس	(۰/۰۰۰۱)	۱۵/۳۷	Lpr
ناهمسانی واریانس	(۰/۰۰۰۱)	۱۵/۷۵	Sm
ناهمسانی واریانس	(۰/۰۰۰۰)	۱۹/۳۰	Fti
عدم ناهمسانی واریانس	۰/۱۱۵۷	۲/۴۷	R

Source: Research calculations

مأخذ: محاسبات محقق

با توجه به نتایج بدست آمده در جدول (۵)، روش تخمین مدل‌ها انتخاب می‌گردد. مدل یک تا چهار بدلیل وجود ناهمسانی واریانس از روش تخمین حداقل مربعات تعمیم‌یافته و برای تخمین مدل پنجم از روش حداقل مربعات معمولی، استفاده می‌شود. که نتایج تخمین ۵ مدل مورد بررسی در جدول‌های ۶ تا ۱۰ ارائه گردید.

جدول ۶: نتایج تخمین حداقل مربعات تعمیم‌یافته مدل اول کارآفرینی نوظهور

Table 6: Estimation of the generalized least squares of the first model- coefficient (statistic)

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره Z	سطح معناداری
Sg	۰/۶۹۶۴	۰/۲۳۷۹۴۲۹	۲/۹۳	۰/۰۰۳
Lpr	-۱/۸۱۸۱	۰/۲۶۷۹۴۱۵	-۶/۷۹	۰/۰۰۰
Sm	۱/۰۹۷	۰/۲۴۶۴۸۴۶	۴/۴۵	۰/۰۰۰
Fti	۰/۲۶۶۵	۰/۲۳۶۶۷۵۹	۱/۱۳	۰/۲۶۰
R	۰/۷۶۷۵	۰/۳۴۷۷۹۰۴	۲/۲۱	۰/۰۲۷

Source: Research calculations

مأخذ: محاسبات محقق

نتایج بیانگر معنادار بودن متغیرهای، اندازه دولت (SG)، امنیت حقوق مالکیت (LPR)، دسترسی به پول سالم (SM) و شاخص تنظیم قوانین و مقررات (R)

می‌باشد. ضرایب و میزان تأثیر هر کدام از مقادیر بیانگر این است که شاخص اندازه دولت، دسترسی به پول سالم و تنظیم قوانین و مقررات بر شاخص کارآفرینی نوظهور تأثیر مثبت دارند در حالی که شاخص امنیت حقوق مالکیت اثر منفی دارد همچنین متغیر آزادی تجارت خارجی دارای اثر مثبت اما معنی‌دار نیست.

نتایج بدست آمده از جدول (۷) نشان دهنده این است که تنها شاخص اندازه دولت بر متغیر کارآفرینی جدید اثر دارد.

جدول ۷: نتایج تخمین حداقل مربعات تعمیم‌یافته مدل دوم کارآفرینی جدید

Table 7: Estimation of the generalized and ordinary least squares of the second model - coefficient (statistic)

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره Z	سطح معناداری
Sg	۰/۳۸۱۲	۰/۱۹۵۷۲۴۶	۱/۹۵	۰/۰۵
Lpr	۰/۴۳۶۳	۰/۳۱۶۲۱۲۴	-۱/۳۸	۰/۸۶۸
Sm	۰/۴۹۵۱	۰/۳۷۳۶۲۸۴	۱/۳۳	۰/۸۸۵
Fti	۰/۲۲۰۱	۰/۳۴۱۲۲۲۸	-۰/۶۵	۰/۵۱۹
R	۰/۴۳۶۸	۰/۳۳۱۱۷۳۳	-۱/۳۲	۰/۸۴۴

Source: Research calculations

مأخذ: محاسبات محقق

نتایج جدول (۸) بیانگر این است که سه شاخص اندازه دولت، امنیت حقوق مالکیت و دسترسی به پول سالم بر شاخص کارآفرینی نوپا تأثیرگذار می‌باشد. شاخص‌های اندازه دولت و دسترسی به پول سالم به صورت مثبت و شاخص امنیت حقوق مالکیت به صورت منفی و معنادار بر کارآفرینی نوپا اثرگذار بوده‌اند.

جدول ۸: نتایج تخمین حداقل مربعات تعمیم‌یافته مدل سوم کارآفرینی نوپا

Table 8: Estimation of the generalized and ordinary least squares of the third model - coefficient (statistic)

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره Z	سطح معناداری
Sg	۱/۰۴۲۹	۰/۳۵۹۵۸۹۳	۲/۹۰	۰/۰۰۴
Lpr	-۲/۱۷۰۴	۰/۵۱۴۰۹۷۷	-۴/۲۲	۰/۰۰۰
Sm	۱/۶۹۳۸	۰/۴۵۰۶۳۶۲	۳/۷۶	۰/۰۰۰
Fti	-۰/۰۳۱۸۶	۰/۳۴۱۷۵۸۵	-۰/۰۹	۰/۹۲۶
R	۰/۴۲۹۰	۰/۴۸۷۵۳۳۱	۰/۸۸	۰/۳۷۹

Source: Research calculations

مأخذ: محاسبات محقق

جدول ۹: نتایج تخمین حداقل مربعات تعمیم‌یافته مدل چهارم کارآفرینی تثبیت‌شده

Table 9: Estimation of the generalized least squares of the fourth model - coefficient (statistic)

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره Z	سطح معناداری
Sg	۰/۴۳۸۳	۰/۲۷۸۷۹۸	۱/۵۷	۰/۱۱۶
Lpr	-۰/۲۲۱۳	۰/۲۸۱۲۹۳۹	-۰/۷۹	۰/۴۳۱
Sm	۰/۸۸۷	۰/۳۴۶۹۷۰۴	۲/۵۹	۰/۰۱۰
Fti	۰/۱۳۹۹	۰/۴۰۹۴۵۹	۰/۳۴	۰/۷۳۳
R	-۱/۳۳۳۵	۰/۳۶۶۰۰۹۳	-۳/۳۷	۰/۰۰۱

Source: Research calculations

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج بدست آمده از جدول (۹) بیان می‌دارد که دو شاخص دسترسی به پول سالم و شاخص تنظیم قوانین و مقررات بر شاخص کارآفرینی تثبیت شده، موثر می‌باشند. شاخص تنظیم قوانین و مقررات دارای رابطه منفی و شاخص دسترسی به پول سالم دارای رابطه مثبت با کارآفرینی تثبیت شده است.

جدول ۱۰: نتایج تخمین حداقل مربعات معمولی پنجم نرخ خروج از کسب و کار

Table 10: Estimates of the generalized least squares estimation of the fifth model-coefficient (statistic)

متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معناداری
Sg	۰/۷۹۶۱	۰/۰۹۸۵	۸/۰۷۵۱	۰/۰۰۰۰
Lpr	-۰/۲۶۰۳	۰/۲۹۰۳	-۰/۸۹۶۹	۰/۳۷۰۵
Sm	-۰/۲۳۴۶	۰/۲۸۱۸	-۱/۸۸۷۵	۰/۲۳۶۰
Fti	-۰/۱۴۶۷	۰/۲۴۰۲	-۰/۶۱۰۷	۰/۵۴۱۸
R	۰/۶۰۰۴	۰/۲۸۹۳	۲/۰۷۴۹	۰/۰۳۸۹

Source: Research calculations مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج تخمین حداقل مربعات معمولی برای مدل پنجم که تأثیر شاخص آزادی اقتصادی (اندازه دولت، امنیت حقوق مالکیت، دسترسی به پول سالم، آزادی تجارت و سرمایه‌گذاری و تنظیم قوانین و مقررات) را بر متغیر وابسته خروج از کسب و کار مورد بررسی قرار داده است، نشان می‌دهد که تنها شاخص‌های اندازه دولت و تنظیم قوانین و مقررات تأثیر بسزایی بر متغیر خروج از کسب و کار را دارند.

۷- نتیجه‌گیری

در جوامع امروزی کارآفرینی با افزایش بهره‌وری، اشتغال‌زایی و رفاه اجتماعی تأثیر انکارناپذیری در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فناوری کشورها دارد و زمینه‌ساز حرکت جوامع به سوی پیشرفت است و کارآفرینان با شناسایی و خلق فرصت‌ها، جوامع را به سمت توسعه رهنمون می‌سازند و موجبات رشد و توسعه اقتصادی کشور را فراهم می‌کنند. نتایج بدست آمده از تخمین مدل‌ها، برای شاخص اندازه دولت در کارآفرینی نوظهور به میزان ۶۹ درصد، در کارآفرینی جدید، ۳۸ درصد، کارآفرینی نوپا ۱/۰۴ درصد، در کارآفرینی تثبیت شده بی‌تأثیر و در نرخ خروج از کسب و کار نیز، اندازه دولت به میزان ۷۹ درصد اثرگذار می‌باشد. امنیت حقوق مالکیت در دو سطح کارآفرینی نوظهور و نوپا به ترتیب به میزان، ۱/۸۱- و ۲/۱۷- اثرگذار است. دسترسی به پول سالم در سه سطح کارآفرینی نوظهور و تثبیت شده به صورت ناچیز، (۱/۰۹ و ۱/۶۹ درصد) و در سطح کارآفرینی تثبیت شده به میزان زیادی (۰/۸۹ درصد) اثرگذار بوده است. شاخص تنظیم قوانین و مقررات در سطح کارآفرینی تثبیت شده به صورت ناچیز و منفی (۱/۲۳- درصد) و در سطوح کارآفرینی نوظهور و نرخ خروج از کسب و کار به میزان بسیاری، ۷۶ و ۶۰ درصد معنادار و موثر بوده است. دو شاخص، اندازه دولت و قوانین و مقررات بر کارآفرینی نوظهور، نوپا و نرخ خروج از کسب و کار بیش‌ترین تأثیر را دارند. در کارآفرینی

نوظهور و نوپا چون هنوز کارآفرین در ابتدای راه است و نیاز به حمایت دولت و قوانین دولتی وجود دارد، بنابراین؛. کشورها می‌توانند با اصلاحات اقتصادی که به‌وجود می‌آورند، زمینه‌های اقتصادی سودآوری را در اختیار کارآفرینان نوظهور قرار دهند. قوانین و مقرراتی نیز که توسط دولت تدوین می‌شود با میزان دخالت دولت در ارتباط است که با افزایش دخالت، قوانین محدودکننده کسب و کار نیز افزایش خواهد یافت. در شاخص امنیت حقوق مالکیت تأثیری منفی بر کارآفرینی نوظهور و نوپا وجود دارد بدان معنا که؛ اگر به اندازه یک درصد امنیت حقوقی و قضایی افزایش یابد، به میزان $1/81$ و $2/17$ درصد کارآفرینی نوظهور و نوپا کاهش می‌یابد. یک کارآفرین انگیزه انباشت و نوآوری نخواهد داشت، مگر آن‌که بر بازده سرمایه‌گذاری و دارایی‌های خلق شده یا افزایش یافته، کنترل لازم را داشته باشد. در این پژوهش، افزایش یافتن امنیت حقوق مالکیت سبب کاهش کارآفرینی نوظهور گشته است که این عامل شاید بخاطر وجود سخت‌گیری‌های قضایی، محدودیت‌های قانونی شدید باشد که در این زمینه حالت افراط‌گری داشته و مانع از کارآفرینی نوظهور می‌شود. و دلیل دیگر این امر نیز می‌تواند، بالا بودن امنیت حقوقی در بخش عمومی و دولتی را شامل شود اما مالکیت حقوقی بخش خصوصی، کمتر در نظر گرفته شده است که سبب کاهش کارآفرینی نوظهور و خوداشتغالی بخش خصوصی شده است. شاخص دسترسی به پول سالم به میزان بسیار زیادی ($0/89$ درصد) بر متغیر کارآفرینی تثبیت شده اثرگذار بوده است پول سالم به مفهوم ثبات نسبی قیمت‌ها و پیش‌بینی‌پذیر بودن نرخ و تغییرات تورم است. سرمایه‌گذاران در کشورهایی با سیاست‌ها و نهادهای مناسب و تورم پایین، با اطمینان خاطر بیشتری در جهت تخصیص سرمایه برای سرمایه‌گذاری در فعالیتهای کارآفرینانه اقدام می‌نمایند. در یک نتیجه کلی می‌توان بیان نمود؛ فعالیتهای کارآفرینانه نوظهور و نوپا در ابتدای راه به حمایت دولت برای شروع فعالیت خود نیاز دارند تا از طریق این حمایت‌ها که می‌تواند شامل، تأمین اعتبارات با نرخ بهره محدود، تنظیم قوانین آسان اخذ مجوز و تأمین منابع لازم برای راه‌اندازی فعالیت به تداوم فعالیت خود بپردازند. اما هر چقدر از زمان تأسیس فعالیت کارآفرینانه بگذرد این نیاز و حمایت دولت نیز کم‌رنگ‌تر می‌شود تا جایی که وجود دولت بزرگتر مانعی جدی برای فعالیتهای کارآفرینانه می‌گردد. بنابراین پیشنهاد می‌شود؛ دولت‌ها با وجود این‌که بیش‌ترین میزان تأثیر را هم در تأسیس کارآفرینی و هم در نرخ خروج از کسب و کار داشته‌اند، می‌توانند از طریق فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن فرهنگ کارآفرینی باعث تشویق هر چه بیش‌تر کارآفرینان شده، و با تقبل هزینه‌های آموختن شیوه‌های نوین تولید، راه را برای نوآوری بیش‌تر هموار سازند. همچنین با ایجاد اتحادیه‌هایی برای کسب‌وکارهای کوچک و نوپا در حفظ و تداوم فعالیتهای آن‌ها تلاش کنند و در نظر

گرفتن یارانه‌های ضمنی برای شرکت‌های بزرگ که چند سال از تأسیس آن‌ها گذشته است، از احتمال ورشکستگی و نابودی این کسب‌وکارها جلوگیری نمایند و از طریق پاداش‌های مالیاتی در افزایش و رونق دادن به فعالیت‌های کارآفرینانه نقش موثری داشته باشند. نتایج حاصله با نتایج مطالعات؛ (Angulo-Guerrero Pérez-Moreno & Abad-Guerrero, 2017; Fuentelsaz, González, Maícas & Montero, 2015; Díaz-Casero, Díaz-Aunión, Sánchez-Escobedo, Coduras & Hernández-Mogollón, 2012) سازگاری و همخوانی دارد.

قدردانی:

نویسندگان از نظرات و پیشنهادات ارزشمند داوران که کیفیت این مقاله را بهبود بخشیده‌اند تشکر می‌کنند.

از آقای دکتر منصوری مدیر فصلنامه اقتصاد مقدراری نیز تشکر می‌کنم.

تضاد منافع:

نویسندگان هیچ تضاد منافع را اعلام نمی‌کنند.

Acknowledgments

The authors would like to acknowledge the valuable comments and suggestions of the reviewers, which have improved the quality of this paper.

I thank Dr Mansouri, Director of the Journal of Quantitative Economics.

Conflict of Interest

The authors declare no conflict of interest.

Reference

- Acs, Z. (2006). How is entrepreneurship good for economic growth?. *Innovations: technology, governance, globalization*, 1(1), 97-107.
- Ahmad Pourdariani, M. (2000). *Entrepreneurship, Definitions, Theories, Patterns*, Tehran: Pardis Company Publications.[in Persion]
- Angulo-Guerrero, M. J., Pérez-Moreno, S., & Abad-Guerrero, I. M. (2017). How economic freedom affects opportunity and necessity entrepreneurship in the OECD countries. *Journal of Business Research*, 73, 30-37.
- Albulescu, C. T., Tămășilă, M., & Tăucean, I. M. (2016). Entrepreneurship, tax evasion and corruption in Europe. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 221, 246-253.
- Arbabian, S., Rafat, B., & Ashrafian Pour, M. (2014). Relationship between International Tourism and Economic Growth (Case Study: Selected Countries of OIC). *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 4(13), 116-97.[in Persion]
- Asoni, A., & Sanandaji, T. (2014). Taxation and the Quality of Entrepreneurship. *Journal of Economics*, 113(2), 101-123.
- Baumol, W. (1993). *Entrepreneurship, management, and the structure of payoffs*. Cambridge: MIT Press.
- Bosma, N., Jones, K., Autio, E. & Levie, J. (2011). *Global entrepreneurship monitor 2010 executive re-port*. (London: Global Entrepreneurship Research Association).
- Bosma, N., S. Wennekers, M. Guerrero, J.E. Amorós, A. Martiarena & S. Singer (2013). *GEM Special Report On Entrepreneurial Employee Activity*. Babson College: Wellesley, MA; Universidad delDesarrollo, Santiago, and Universiti Tun Abdul Razak: Kuala Lumpur.
- Bowen, H. P., & De Clercq, D. (2008). Institutional context and the allocation of entrepreneurial effort. *Journal of International Business Studies*, 39(4), 747-767.
- Bruce, D., & Gurley, T. (2004, January). Taxes and entrepreneurial entry: an empirical investigation using longitudinal tax return data. In *Proceedings. Annual Conference on Taxation and Minutes of the Annual Meeting of the National Tax Association* (Vol. 97, pp. 336-343). National Tax Association.
- Christian B., & Nicolai, J. (2006), Economic Freedom and Entrepreneurial Activity: Some Cross-Country Evidence, *panish research unit for dynamic industrial (DRUID) Working paper*, No. 6-18.
- Díaz-Casero, J. C., Díaz-Aunión, D., Sánchez-Escobedo, M. C., Coduras, A., & Hernández-Mogollón, R. (2012). Economic freedom and entrepreneurial activity. *Management Decision*, 50(9), 1686-1711.

- Carree, M. A. (1997). *Market dynamics, evolution and smallness*.
- Demsetz, H. (1982). Barriers to entry. *The American economic review*, 72(1), 47-57.
- Dutz, M. A., Ordober, J. A., & Willig, R. D. (2000). Entrepreneurship, access policy and economic development: lessons from industrial organization. *European Economic Review*, 44(4-6), 739-747.
- Esaizadeh, S., Mehranfar, J. (2012). The Role of Institutions in Shaping Entrepreneurship in Selected Countries. *Economics Research*, 12(44), 199-212.[in Persian]
- Fuentelsaz, L., González, C., Maícas, J. P., & Montero, J. (2015). How different formal institutions affect opportunity and necessity entrepreneurship. *BRQ Business Research Quarterly*, 18(4), 246-258.
- Friedman, M. (1962). *Capitalism and freedom*. Chicago: University of Chicago Press.
- Friedman, B. A. (2011). The relationship between governance effectiveness and entrepreneurship, *International Journal of Humanities and Social Science*, 1(17): 221- 225.
- Gwartney, J., Lawson, R., Hall, J., and Murphy, R. (2017). *Economic Freedom of the World: 2018 Annual Report*. Fraser Institute. <<https://www.fraserinstitute.org/studies/economic-freedom-of-the-world-2018-annual-report>>.
- Global Entrepreneurship Monitor. (2014). *Total early-stage Entrepreneurial Activity (TEA)*. Data retrieved August 20, 2014, from: Key Indicators.<http://www.gemconsortium.org/Data>
- Global Entrepreneurship Monitor (2014). *Improvement-Driven Opportunity Entrepreneurial Activity: Relative Prevalence*. Data retrieved August 20, 2014, from: Key Indicators. <http://www.gemconsortium.org/Data>.
- Guzman, J., & Stern, S. (2016). *The State of American Entrepreneurship: New Estimates of the Quality and Quantity of Entrepreneurship for 32 US States, 1988-2014* (No. w22095). National Bureau of Economic Research.
- Hall, J. C., & Lawson, R. A. (2015). Economic freedom of the world: An accounting of the literature. *Contemporary Economic Policy*, 32(1), 1-19.
- Haltiwanger, J., Jarmin, R. S., & Miranda, J. (2013). Who creates jobs? Small versus large versus young. *Review of Economics and Statistics*, 95(2), 347-361.
- Hafez Nia, MR (2001). *Introduction to Research in Humanities*, Tehran, Khome Publications.[in Persian].
- Henrekson, M. (2005). Entrepreneurship: a weak link in the welfare state?. *Industrial and Corporate change*, 14(3), 437-467.

- Johnson, S., McMillan, J., & Woodruff, CH. (2005). American Economic Association. *The American Economic Review*, 92(5), 1335-1356.
- KarimiTecanlo, Z., Ranjpour, R. (2014). *Panel Data Econometrics*. Tehran, Ghom Publications.[in Persian]
- KazemiTorqban, M., & Mubarak, M.H. (2012). The Effect of Entrepreneurship on Iranian Economic Growth Using Bayesian Averaging Approach. *Journal of Entrepreneurship Development*, 5(3):125-144.[in Persian]
- Kuckertz, A., Berger, E. S., & Mpeqa, A. (2016). The more the merrier? Economic freedom and entrepreneurial activity. *Journal of Business Research*, 69(4), 1288-1293.
- McMillan, J., & Woodruff, C. (2002). The central role of entrepreneurs in transition economies. *Journal of economic Perspectives*, 16(3), 153-170.
- Mohammadzadeh, Y., Hekmati Farid, S., & Miralishrafi, K. (2016). The effect of economic freedom on entrepreneurship development in selected countries. *Journal of Entrepreneurship Development*, 9(2), 357-376. doi: 10.22059/jed.2016.60059.[in Persian]
- Naderi, M., & SHarbatoghlie, A. (2007). The Effect of Economic Freedom on Economic Growth. *Iranian Journal of Economic research*, 9(32), 1-29.[in Persian]
- Nyström, K. (2008). The institutions of economic freedom and entrepreneurship: evidence from panel data. *Public choice*, 136(3-4), 269-282.
- Research Center of the Islamic Consultative Assembly; (۲۰۱۱). *Review and critique of global indices of economic freedom (Heritage Foundation and Freezer Institute)*. Tehran.[in Persian]
- Reynolds, P. D., & Curtin, R. T. (2008). Business creation in the United States: Panel study of entrepreneurial dynamics II initial assessment. *Foundations and Trends® in Entrepreneurship*, 4(3), 155-307.
- Samati, M., Shahnazi, R., & Deghani, Z. (2006). Effects of Economic Freedom on Fiscal Corruption. *Iranian Journal of Economic research*, 8(28), 87-105.[in Persian]
- Saunoris, J. W., & Sajny, A. (2017). Entrepreneurship and economic freedom: cross-country evidence from formal and informal sectors. *Entrepreneurship & Regional Development*, 29(3-4), 292-316.
- Sobel, R. S., Clark, J. R., & Lee, D. R. (2007). Freedom, barriers to entry, entrepreneurship, and economic progress. *The Review of Austrian Economics*, 20(4), 221-236.
- Szirmai, A., Naudé, W., & Goedhuys, M. (Eds.). (2011). *Entrepreneurship, innovation, and economic development*. Oxford University Press.

- Urbano, D., & Aparicio, S. (2016). Entrepreneurship capital types and economic growth: International evidence. *Technological Forecasting and Social Change*, 102, 34-44.
- Verheul, I., Wennekers, S., Audretsch, D., & Thurik, R. (2002). An eclectic theory of entrepreneurship: policies, institutions and culture. In *Entrepreneurship: Determinants and policy in a European-US comparison* (pp. 11-81). Springer, Boston, MA.
- Wennekers, S., & Thurik, R. (1999). Linking entrepreneurship and economic growth. *Small business economics*, 13(1), 27-56.
- Zaranjad, M., & Anwari, A. (2005). Application of hybrid data in econometrics. *Journal of Economic Research*, 2(4), 21-52.[in Persian]



© 2020 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).